

تقديم به پدر و مادرم

مجموعه آشنایی با فلسفه غرب ۴۱

فلسفه بوناونتورا

سلوک عشق

اکبر حبیب‌اللهی



حبیب‌اللہی، اکبر، ۱۳۵۶ -

فلسفہ یوناوتنورا، سلوک، عشق، اکبر حبیب‌اللہی.

۲۵۹ ص، تہران، حکمت، چاپ اول ۱۳۸۸ ش / ۱۴۳۰ قی

شابک: 978-964-8713-97-8

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیما

یوناوتنورہ قدیس، ۹۱۲۱۷ - ۹۱۲۷۴ م.

Bonaventure, Saint, Cardinal

خدائشناسی (مسیحیت)،

فلسفہ مسیحی.

ودہ بندی کنگرہ: ۱۳۸۸ ف ۸ / ح ۲ / BT1۰۲

ودہ بندی دیوبی: ۲۳۱

شمارہ کتابشناسی ملی: ۱۶۳۲۶۰۹

مؤسسة انتشارات حکمت
فلسفه یونا و نثورا، سلوک عشق

اکبر حبیب اللهی

چاپ اول ۱۳۸۸ ش/ ۱۴۳۰ ق/ ۱۰۰۰ نسخه/ ۴۴۰۰ تومان

سرو فحینی صفحه آرای: انتشارات حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کبکبای حضور

لیتوگرافی: ترام سنج

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوویحان، شماره ۳، کد پستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۲

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

www.hekmat-ins.com info@hekmat-ins.com

تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹-۶۶۴۴۶۱۲۹۷-۶۶۴۰۶۵۰۵-۶۶۴۰۶۵۰۵



فهرست

۹	دبیاچه
۱۱	مقدمه
	فصل اول
۱۷	بوناونتورا، زندگی و آثار
	فصل دوم
۲۹	آراء و افکار بوناونتورا
۳۰	نخستین مجموعه مطالعات
۳۷	دومین مجموعه مطالعات
۵۰	خداشناسی
۶۹	جهان‌شناسی
۸۹	انسان‌شناسی
۱۰۳	حسن و تخیل
۱۰۹	عقل انسان
۱۱۷	یقین و عقول سرمدی
	فصل سوم
۱۲۳	بررسی و تحلیل رساله سیر نفس به سوی خدا
۱۲۵	استمداد از عیسی مسیح برای طی طریق
۱۲۶	جایگاه رساله در مجموعه آثار
۱۲۹	تاریخ و محل تألیف رساله

۱۳۰	هدف از تألیف رساله
۱۳۲	طرح تحلیلی مسیر رساله
۱۳۲	مقدمه
	بخش اول: درجات صعود به سوی خدا و تأمل روحانی او از خلال آثارش در
۱۳۵	جهان هستی
۱۴۵	بخش دوم: تأمل روحانی خدا در آثارش از طریق جهان محسوس
۱۵۳	بخش سوم: تأمل روحانی خدا از طریق تصویرش در قوای طبیعی انسان
	بخش چهارم: تأمل روحانی خدا از طریق تصویر احیاء شده توسط فیوضات
۱۵۹	ناشی از لطف الهی
۱۶۳	بخش پنجم: تأمل روحانی در وحدت الهی به واسطه اولین نامش: «وجود»
۱۶۸	بخش ششم: تأمل روحانی تثلیث در نام خودش: «خیر»
	بخش هفتم: درباره جذبه عرفانی که در آن عقل به استراحت می پردازد، در
۱۷۱	حالی که اشتیاق به طور کامل به سمت خدا می رود.
۱۷۴	ساختار اندیشه یوناوتورا
۱۷۸	عقل و ایمان
۱۸۵	زبان حاکم بر رساله
۱۸۸	تأملات روحانی پیرامون طبیعت، نفس و خداوند
۱۹۰	تأمل روحانی پیرامون طبیعت
۱۹۲	تأمل روحانی پیرامون نفس
۱۹۶	تأمل روحانی در مورد خدا
۱۹۹	مسیح شناسی
۲۱۰	دستگاه کلامی یوناوتورا، بیان گرایی و مثال گرایی
۲۱۴	نقش الهام و مکاشفه
۲۱۶	نقش فرانچسکو
۲۱۶	عارف یا سالک باطنی
۲۳۱	منابع
۲۳۵	واژه نامه لاتین - فارسی
۲۴۶	کتاب شناسی

دیباجه

مطالعه تاریخ اندیشه، مطالعه خود تفکر است. چنانچه اذعان بر این است که اندیشه در غرب در بستر تاریخ شکل می‌گیرد و شناخت نظام‌های فکری کنونی، مرهون شناخت اندیشمندان و فیلسوفان پیشین است. در این راستا، هدف نوشتار حاضر، معرفی نظام فلسفی یکی از فیلسوفان فلسفه مسیحی غرب، بوناوتورا اندیشمند ایتالیایی قرن سیزدهم میلادی است. آشنایی با نظام فکری وی برای خوانندگان، مقدمه‌ای خواهد بود جهت ورود به جهان اندیشه مسیحی قرون وسطی که یکی از مبانی شکل دهنده تفکر غرب است. بوناوتورا به عنوان هفتمین رئیس فرقه رهبانی فرانسیسی، به نحو جدی مباحث نظری را وارد این فرقه رهبانی می‌کند چنانچه فرانچسکو موسس این فرقه باور و اعتقادی به مباحث نظری نداشت. ترجمه آثار فیلسوفان مسلمان همچون ابن سینا و ابن رشد و ورود آموزه‌های جدید به حوزه تفکر مسیحی، اندیشمندان مسیحی را وادار به پذیرش این آموزه‌ها نمود. به همین دلیل بوناوتورا، که با این آموزه‌های جدید مواجه شده بود؛ با ترکیب آگاهانه فلسفه، کلام و عرفان مسیحی، نظام فکری منسجمی از این آموزه‌ها ایجاد می‌نماید. در این نظام فکری این اجزاء به نحو بسیار دقیق و ظریف در کنار همدیگر گرد می‌آیند. لذا، مطالعه این نظام فکری که در ظاهر از

اجزاء نامتجانس شکل گرفته، می‌تواند نمونه بسیار قابل تامل از ایجاد یک نظام فکری با اجزاء کاملاً متجانس باشد. از سوی دیگر اندیشمندی همچون پل تیلیش فیلسوف اگزیستانسیالیست مسیحی می‌نویسد که بوناونتورا، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان فلسفه و کلام مسیحی است. برخی از هایدگر شناسان نیز معتقدند که چرخش مباحث شناخت‌شناسی نوکانتی‌ها به مباحث وجودشناسی هایدگری تحت تاثیر آموزه‌های بوناونتورا بوده است.

در پایان، از تمام معلمان و اساتید دوران تحصیل، به ویژه اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر ایلخانی، جناب آقای دکتر مجتهدی، زنده‌یاد جناب آقای دکتر ذاکره‌زاده، زنده‌یاد جناب آقای دکتر علوی‌نیا، اساتید محترم گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی به ویژه جناب آقای دکتر احمدی و جناب آقای دکتر مسگری، اساتید محترم گروه فلسفه دانشگاه اصفهان بخصوص جناب آقای دکتر صافیان و دوستان خوبم جناب آقای خانیان، جناب آقای قارداش‌پور، جناب آقای نعمت‌اللهی، جناب آقای اسماعیلی و همه عزیزانی که سهم بسیار به‌سزایی در نگارش این اثر داشته‌اند؛ تقدیر و تشکر می‌نمایم. همچنین از مسئولان انتشارات حکمت که در شکل‌گیری و انتشار این اثر سهمیم بوده‌اند؛ سپاسگزارم.

اکبر حبیب‌اللهی نجف‌آبادی

تهران، ۱۰ فروردین ۱۳۸۸

مقدمه

اگر باور داشته باشیم که بدون تفکر نو، فرهنگ یک جامعه دچار رکود و فاقد تحرک و نیروهای حیاتی می‌شود، ناگزیر باید بپذیریم که تفکر به معنای واقعی کلمه تنها زمانی نو است که بی‌ریشه، ابتدا به ساکن و سطحی نباشد. زیرا بدون شناخت سنت‌های فکری قبلی و افکار استادان بزرگ گذشته نمی‌توان به هیچ تفکر نویی سامان بخشید و عمق و اصالت واقعی آن را تضمین کرد. از این رو، به یقین می‌توان گفت که بدون این نوع تعلیمات، احتمال دارد شخصی ندانسته‌ها را به جای دانسته‌های خویش گرفته باشد و از سوی دیگر آنچه را که توسط او بکر و نو پنداشته شده، در اصل بسیار متداول و اصلاً فاقد روح و حیات بوده باشد. از این رو به نظر می‌رسد که در فلسفه و شاید در هر رشته دیگر، نوآوری عبارت است از فعلیت بخشیدن به آن چیزی که تا بدان روز، در سنت به صورت بالقوه موجود بوده است و از این لحاظ فیلسوف واقعی کسی است که این گنجینه را در اعماق یافته و با قدرت عقلانی و نیز باتوجه به ابعاد گوناگون مطرح در عصر خود، آن را از کمون به منصه ظهور رسانیده است. با نظر به تفاسیر فوق می‌توان این گونه نتیجه گرفت که فیلسوف واقعی، دنباله‌رو سنت است بدون اینکه در اسارت آن باشد؛ او ممد حیات سنت است، نه تابع صوری آن.

در نتیجه، انتخاب مکتب یا متفکری در گذشته نه تنها کهنه‌پرستی و اتلاف وقت نیست، بلکه توجه به زمینه‌ها و مبادی پیدایش افکار و مکاتب جدید و نو است.

با توجه به تقسیم‌بندی صورت گرفته در ادوار مختلف تفکر، به‌ویژه نگرش فلسفی، یکی از این دوره‌ها که زمان طولانی را نیز به خود اختصاص می‌دهد، دوره تفکر قرون وسطی در غرب است. این دوره با توجه به مقتضیات و شرایط خاص حاکم بر آن، اعم از ویژگی‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و ... محل و ظرف خاصی است که در آن، افکار و مکاتب جدید شکلی می‌گیرد.

در وهله نخست آنچه در این نوشتار هدف و منظور است، این دوره، به‌خصوص قرن سیزدهم میلادی و منحصرأ متفکری به نام بوناونتورا است. در این زمینه، کتاب به سه فصل تقسیم می‌شود. فصل اول به معرفی زندگی و آثار بوناونتورا اختصاص یافته است. دوره‌های مختلف زندگی یک متفکر و رویدادها و حوادثی که برای او رخ می‌دهد، تعیین‌کننده نگرش و تفکر وی است. لذا توجه به عوامل مؤثر و مسائل جدید که متفکر با آن مواجه می‌شود، به فهم تفکر و مکتب او کمک می‌کند. در ادامه، با توجه به دوره‌های مختلف زندگی، آثار بوناونتورا به پنج دسته تقسیم می‌شود.

فصل دوم به آراء و افکار بوناونتورا اختصاص یافته است. در این فصل، نخست به نظرات و تفاسیر مختلفی که مورخین فلسفه در خصوص مکتب بوناونتورا، ارائه می‌دهند؛ می‌پردازیم. این تفاسیر نشانگر این نکته‌اند که آنچه به‌عنوان نظام فلسفی بوناونتورا با آن مواجه می‌شویم، نظامی التقاطی و مملو از آموزه‌های مختلف است. لذا وجود آموزه‌های مختلف در این نظام است که امکان تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌سازد. پس از بررسی آراء و نظریات مربوط به نظام فکری بوناونتورا،

نظر وی در مورد سه بحث خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی می‌شود.

در بحث خداشناسی، بعد از مشخص شدن عقلانیت یونانوتورا که عقلانیتی اشراقی است، آشکار می‌شود که در واقع براهین بعد از تجربه در اثبات وجود خدا، برای او تنها دارای اهمیتی تنبیهی است. انسانی که از شهوات و شوائب مادی رها شده، به وجود خدا اذعان می‌کند؛ تمام مخلوقات یک‌صدا به وجود خدا اعتراف و اذعان دارند. در این بحث تشابه خالق به مخلوق با نام مثال و تشابه مخلوق به خالق با عنوان روگرفت و همچنین علم خدا مطرح می‌شود.

در بحث جهان‌شناسی، بعد از پذیرش خدا به عنوان علت فاعلی، مثالی و غایی، بحث خلقت بررسی می‌شود. متفکر مسیحی برخلاف فیلسوف، معتقد به خلق از عدم است. البته این مطلب نیز جز با اتصال به وحی و مدد از ایمان قابل فهم نیست. عقل در این مسیر ناتوان بوده و حقیقت خلقت را که خلق از عدم است، درک نمی‌کند. در اینجا یونانوتورا به عنوان متفکر رسمی کلیسا از همان اصول رسمی کلیسا پیروی می‌کند. از جمله مباحث دیگر در این فصل، براهین یونانوتورا در خصوص رد قدمت زمانی عالم و تأکید بر حدوث جهان است.

در بحث انسان‌شناسی، انسان به عنوان موجودی که دارای قوه نطق است، معرفی می‌شود. این موجود دارای نفس بوده و بنابر نظر متفکران مسیحی، نفس انسان تصویر خداست؛ لذا از جمله مباحثی که در این فصل مطرح می‌شود نفس انسان و ساختار تثلیثی‌اش با توجه به سه قوه حافظه، اراده و عقل است. با توجه به مسأله عقاب و پاداش، براهین یونانوتورا در خصوص جاودانی بودن نفس نیز ذکر می‌شود. در ادامه، مسأله شناخت مطرح می‌شود. انسان دارای قوای شناخت، اعم از حس، تخیل و عقل است. لذا با توجه به التقاطی بودن تفکر یونانوتورا، نوع

رویکرد وی به مسأله شناخت و تأثیرپذیری او از ارسطو و اوگوستینوس مشخص می‌شود. همچنین آشکار می‌شود که شناخت قطعی و یقینی تنها با توجه به اشراق حقایق عقلی حاصل خواهد شد.

عنوان فصل سوم، بررسی و تحلیل رساله سیر نفس به سوی خدا است. در این فصل، مباحثی چون، رابطه عقل و ایمان، زبان حاکم بر کتاب، نقش الهام و مکاشفه، مسیح‌شناسی، عارف یا سالک باطنی و انواع تأملات روحانی در باب خدا، نفس و طبیعت مطرح می‌شوند.

با توجه به رابطه عقل و ایمان و پذیرش دین فلسفی به عنوان تفسیر صحیح درخصوص اندیشه بوناونتورا، مشخص می‌شود که ایمان از ابتدا غایت و هدف است. لذا برای حصول این غایت، عقل و تأملی انتخاب می‌شود که نظر به روحانیت دارد. در این زمینه، عقلانیت محض به‌طور مکرر نفی می‌شود. آنچه بوناونتورا به دنبال آن است، ترکیب آگاهانه فلسفه، کلام و عرفان مسیحی با یکدیگر است. به همین دلیل است که او به عنوان پیرو متفکران مدرسه سنت ویکتوری، هوگونیس، آکاردوس و ریکاردوس و همچنین مدرسه سیسترسیان، برناردوس کلروویی معرفی می‌شود. او به منظور تحقق هدف خود، تأمل روحانی را که به‌طور خاص با آنها شروع شده بود، ادامه می‌دهد و در واقع آن را به اوج می‌رساند. بوناونتورا برای معرفی نظام خود، از عقلانیت اشراقی و منطق چندمعنایی استفاده می‌کند. برای او مسیح به عنوان مرکز هستی و شناخت، انسان گرفتار در گناه و هبوط را نجات می‌دهد. الهام و مکاشفه هم در شروع و هم در پایان به عنوان غایت لحاظ می‌شود. تجربه دینی مورد نظر وی، در تجربه عرفانی حاصل می‌شود. هدف و غایت، عشق و اتحاد با خدا در خلسه و جذبه است. عرفان بوناونتورا عرفان عشق و کتاب او دستورالعملی برای طی طریق در مسیر عشق است. در پایان تأمل روحانی، سالک با رها کردن تمام آنچه از شناخت حسی و عقلی به دست

آورده، به مقام اتحاد نائل می‌شود. بوناونتورا به عنوان متفکر رسمی کلیسا در بحث از عرفان، به عنوان سالک باطنی معرفی می‌شود. وی در طریق عشق، هم برای خود و هم برای دیگران دستورالعمل ارائه کرده و مراد و پیر خود را به دفعات فرانچسکو آسیزی معرفی می‌کند. وجود مراتب، دستورالعمل، آیین و مراد حاکی از طریقت باطنی و سلوک باطنی در مورد وی است.